

پژوهشی در پیشینه تاریخی شهر قم با استناد بر مطالعات باستان‌شناسی و قرائن تاریخی

رسول احمدی*، رضا مهرآفرین، سید رسول موسوی حاجی

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران؛ استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران؛ استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۷/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۱/۱۷)

A research on the historical background of Qom city based on archaeological studies and historical evidence

Rasoul Ahmadi, Reza Mehrafarin, Seyyed Rasoul Mousavi Haji

PHD in Archaeology, University of Mazandaran; Professor, Department of Archaeology, University of Mazandaran; Professor, Department of Archaeology, University of Mazandaran

Received: (2017. 10. 05)

Accepted: (2020. 04. 05)

Abstract

During the Islamic period, Qom has been known as the second religious center in Iran due to the shrine of Masoumeh (AS). The influence of the religious factor in introducing this city is so that a group of historians believe that before the emergence of Islam, there was no urban base in this region. Despite the scattered research that has been done about the antiquity of Qom, there are many ambiguities about the exact time of the creation of this city and its builders. Therefore, in the present research which is based on the purpose of basic research type and based on the nature and method of historical research type, most of the written sources spoken about the historical background of Qom were carefully studied. In addition, for scientific and more accurate interpretation of the mentioned sources reports and in accordance with them, the results obtained from the archaeological research conducted in the ancient sites of Qom were evaluated. According to the results, Qom plain, which had been considered by various human societies since the sixth millennium BC, due to its special geographical location, had a relatively prestigious urban base in the late Sassanid period. The Sassanid city of Qom in the year 23 A.H was conquered by the Muslims, however, the first group of Arabs who belonged to the Ash'ari clan settled in this place in the late first century A.H and as a result of their efforts during a century to develop different areas of the region, Qom was recognized as an independent Kū reh in 189 AH.

Keywords: Qom, city, Kū reh, Sassanid-early Islamic period, historical sources and archaeological evidence

چکیده

شهر قم در طول دوران اسلامی به واسطه وجود مرقد حضرت معصومه (س)، به عنوان دومین قطب مذهبی ایران شناخته شده است. تأثیرگذاری عامل مذهبی در معرفی این شهر تاحدی است که گروهی از مورخان معتقدند پیش از ظهور دین اسلام، در این منطقه هیچ‌گونه پایگاه شهری وجود نداشته است. علی‌رغم تحقیقات پراکنده‌ای که در خصوص قدمت شهر قم صورت گرفته است، ابهامات فراوانی در مورد زمان دقیق ایجاد این شهر و سازندگان آن وجود دارد. بنابراین، در پژوهش حاضر که براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است، غالب منابع مکتوبی که در ارتباط با پیشینه تاریخی شهر قم سخن گفته بودند به دقت مورد مطالعه قرار گرفت. علاوه بر آن، برای تفسیر علمی و دقیق‌تر گزارش‌های منابع مذکور و در انطباق با آنها، نتایج حاصل از پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در محوطه‌های باستانی منطقه قم ارزیابی شد. براساس نتایج، دشت قم به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، از هزاره ششم پیش از میلاد مورد توجه جوامع انسانی گوناگون قرار گرفته بود و در اواخر دوران ساسانی از پایگاه شهری نسبتاً معتبری برخوردار گردید. شهر ساسانی قم در سال ۲۳ق به دست مسلمانان فتح شد، با این وجود، نخستین گروه اعراب که از خاندان اشعری بودند در اواخر سده اول هجری در این مکان ساکن شدند و در نتیجه یک سده کوشش آنها در جهت آبادی مناطق مختلف منطقه، قم در سال ۱۸۹ق به عنوان کوره‌ای مستقل به رسمیت شناخته شد.

کلیدواژه‌ها: قم، کوره، دوران ساسانی- صدر اسلام، منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی.

* Corresponding Author: Ahmadirasul1390@gmail.com
reza.mehragarin@gmail.com
seyyed_rasool@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

دشت قم از منظر ویژگی‌های زیست‌محیطی، تاریخی و فرهنگی، بخشی از حوزه جغرافیایی - فرهنگی حاشیه کویر مرکزی ایران محسوب می‌شود. این دشت با وسعتی بالغ بر ۶۴۵۰ کیلومتر مربع، از شمال به دشت ورامین، ری و ساوه، از جنوب به بخش کهک، از شرق به دریاچه نمک و از غرب به بخش جعفرآباد محدود شده است (شکل ۱). شهر قم که در دشت مزبور واقع گردیده، به سبب موقعیت جغرافیایی ممتاز آن، از دیرباز در مسیر مهم‌ترین راه‌های ارتباطی فلات مرکزی ایران واقع گردیده است (سرلک، ۱۳۹۰: ۱۵) و همین امر موجب شکل‌گیری سکونتگاه‌های متعددی در مناطق مختلف آن در طول ادوار مختلف تاریخی گشته است. با این وجود، در ارتباط با پیشینه تاریخی شهر قم، میان مورخان و پژوهشگران اختلاف نظر فراوانی دیده می‌شود. گروهی بر این باورند که شهر قم از شهرهای مستحده اسلامی است و پیش از ورود اسلام به ایران، در این منطقه هیچ‌گونه تمدن شهری وجود نداشته است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۸۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۱۰۸؛ شیروانی، بی‌تا: ۴۴۳؛ ابودلف، ۱۳۴۱: ۷۷؛ حموی، ۱۹۹۵م: ۳۹۷؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۱۳؛ ابوالفداء، ۲۰۰۷م: ۴۷۰؛ فیض، ۱۳۴۹: ۶۱). با این حال، در میان اشاعه‌دهندگان این نظریه، اتفاق نظر چندانی مشاهده نمی‌شود؛ به گونه‌ای که گروهی از مورخان معتقدند شهر قم در سال ۸۳ق و به دست اعراب اشعری ایجاد شده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۸۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۱۰۸؛ شیروانی، بی‌تا: ۴۴۳؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۱۳؛ ابوالفداء، ۲۰۰۷: ۴۷۰). برخی نیز تاریخ ایجاد شهر را سال ۱۸۹ق می‌دانند (قمی، ۱۳۶۱؛ ابودلف، ۱۳۴۱: ۷۷؛

حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۷؛ سعیدنیا، ۱۳۶۶: ۱۴۸)، و دسته سوم معتقدند، پس از رحلت حضرت معصومه (س) در قم به سال ۲۰۱ق و توجه روزافزون شیعیان به این مکان، پایگاه شهری قم شکل گرفته است (دالمانی، ۱۹۵۰: ۸۵۲؛ فیض، ۱۳۴۹: ۷۳). در مقابل این دیدگاه، برخی از مورخان و پژوهشگران، با استناد بر منابع تاریخی بر جای مانده از سده‌های نخستین اسلامی، که گاه جنبه اسطوره‌ای به خود می‌گیرند، بنای شهر قم را به شخصیت‌هایی چون طهمورث دیوبند، قمساره پسر لهراسب، گیو، گودرز و کی خسرو نسبت می‌دهند و معتقدند پیش از ظهور اسلام نیز، قم به درجه مدنیت رسیده بود (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۱۸؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۳؛ دینوری، ۱۹۶۰م: ۱۱۷؛ ناصرالشریعه، ۱۳۸۳: ۴۳؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۳۱؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). در آثار پیروان این نظریه، تنها با بیان گزارش‌های ارائه شده در منابع تاریخی و گاه با اشاره به ویرانه‌های باستانی برجای مانده در داخل و خارج از شهر قم، که البته تا آن زمان توسط باستان‌شناسان شناسایی و مطالعه نشده بود، تنها به قدمت شهر قم اشاره شده و زمان دقیق شکل‌گیری آن مشخص نگردیده است.

در واقع، تاکنون برای بررسی موضوع پیشینه تاریخی شهر قم، پیوند مناسبی میان منابع تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی برقرار نگردیده است و در نتیجه، پرسش‌ها و ابهامات فوق همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از منابع مکتوبی که در ارتباط با شهر قم اطلاعاتی ارائه داده‌اند، و همچنین استفاده از شواهد باستان‌شناختی شناسایی شده از ادوار مختلف تاریخی در محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، با بررسی سیر تحولات تاریخی صورت گرفته در این

قم را برای آن قم نام کردند که در ابتدای حال، جای جمع شدن آب‌ها بوده است و آب تیمره و انار بدین زمین که امروز قبضه قم است جمع می‌شد و آن را هیچ منفذی و رهگذری نبود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۰-۲۱).

وی در ادامه می‌گوید:

چنانچه یاد شد قبضه قم مجمع آب‌های تیمره و انار بوده به نحوی که از هیچ سوی منفذ و رهگذری نداشته است. به همین علت به مرور زمان در حوالی آن به واسطه کثرت آب چندین علف‌زار و مرغزار پدیدار شده بود و از جوانب و اطراف، رعات و شبانان به واسطه علف گرد بر گرد آن خیمه زدند و خانه‌ها بنا نهادند و خانه‌های ایشان را به فارسی کومه نام نهادند، پس به مرور ایام در این اسم تخفیفی واقع شد و گفتند کم، پس آن را معرب گردانیدند و گفتند قم (همان: ۲۲).

گذشته از گزارش بُرقی، در سایر منابع تاریخی نیز بارها به زیر آب بودن زمین منطقه قم در عصر سلاطین پیشدادی و کیانی اشاره شده است (ادیب کرمانی، ۱۳۹۶: ۷۸ - ۷۷).

بنا بر دیدگاهی دیگر، نام قم از اختصار و اعراب واژه کُمیدان که یکی از آبادی‌های هفت‌گانه آن منطقه در سده نخست هجری بوده است اشتقاق یافته است. طبق این دیدگاه، با توسعه آبادی‌های مذکور و ادغام آن‌ها با یکدیگر، شهر قم شکل می‌گیرد و نام کُمیدان که بزرگ‌ترین آبادی‌ها بوده است برای نام‌گذاری شهر تازه تأسیس اخذ و بر آن اطلاق می‌گردد (حموی، ۱۹۹۵م: ۴۸۰؛ ادیب کرمانی، ۱۳۹۶: ۷۴). صاحب تاریخ قم، اشتقاق نام قم از کُمیدان را بی‌پایه و اساس می‌داند؛ زیرا نام قم و کُمیدان به صورت مجزا و هر دو با هم در

منطقه، پیشینه تاریخی شهر قم را شناسایی نماید. از این روی، پژوهش پیش‌رو کوشیده است با مطالعات میدانی و اسنادی و تفسیر و تحلیل یافته‌های این مطالعات با «رهیافت تاریخی»، به ابهامات موجود پاسخ مناسبی دهد.

۲. وجه تسمیه قم

در خصوص ریشه اصلی نام قم نظرات گوناگونی ارائه گردیده است و غالب آرا بیان شده بر پایه نوشته‌های کتاب تاریخ قم است. این موضوع که در پیش از اسلام این منطقه جغرافیایی را دقیقاً با چه نامی می‌شناخته‌اند بر ما مشخص نیست اما در منابع مختلف از آن با عناوین کم (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱)، کومه (همان: ۲۲)، کمندان (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۷۴)، کمیدان، کونایا، کورنیا، کوآما، آرتاریت (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۷۹)، هکاتوم پیل (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۱)، استانیر بوفارت کواد (مجمعل‌التواریخ و‌القصص، ۱۳۱۸: ۴۵)، اشان ایرانوئارث کواد، کمب (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۸۰) و ترمانتیکا (صاحبی، ۱۳۸۴: ۲۱۳) یاد شده است. آنچه مسلم است، از زمان فتح شهر به دست مسلمانان، همین نام بر آن اطلاق می‌شده؛ زیرا که نام قم به همین صورت در اخبار، احادیث و نیز در کتب تاریخی از قرن سوم هجری به بعد از قبیل تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۱۸)، فتوح البلدان (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۹-۴۴۲)، تاریخ طبری (طبری، ۱۳۷۵: ۵۷۳۳) و عموم کتب مسالک و ممالک آمده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۹؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱).

نویسنده کتاب تاریخ قم، به نقل از احمد بن ابی عبدالله برقی (متوفی ۲۷۴ / ۲۸۰ق) در مورد علت نام‌گذاری این شهر به قم می‌نویسد:

است دامن زده‌اند. از آن پس، این نظریه کاملاً در میان مورخان و پژوهشگران پذیرفته گردید، تا جایی که گاه سعی در اثبات آن نیز داشته‌اند؛ چنان‌که افضل الملک میرزا غلامحسین‌خان ادیب کرمانی از نویسندگان دوره قاجار، در این باره می‌نویسد:

شهر قم بنا باشهر اقوال از بلاد اسلامی است، یعنی بعد از ظهور اسلام این مکان برتبه مدینت رسیده است و الا قبل از اسلام مشتمل بر چندین حصار و مزارع و قری بوده است (ادیب کرمانی، ۱۳۹۶: ۷۳).

وی در ادامه به انتساب بنیان شهر قم به طهمورث دیوبند یا یکی از پادشاهان سلاطین پیشدادی توسط عده‌ای از مورخان پرداخته و در رد آرا آنان می‌گوید:

شهری را که آنها بنا کنند و مکانی که از آن عهد جزو بلاد باشد آنقدر آثار عتیقه و اشیاء عجیبه باید از آنجا انکشاف بشود که هیچ جای شبهه و تردید نماند. پس گفته اشخاصی که معتقد بر این شده‌اند که قم بعد از اسلام به درجه مدینت رسیده است بهتر از سایر اقوال است (همان: ۷۳-۷۴).

فیض نیز که از جمله قم‌پژوهان برجسته دوره معاصر است، درباره تاریخ پیدایش شهر قم می‌نویسد:

در این مسئله نمی‌توان تشکیک نمود که قم از شهرهای اسلامی است که پس از نزول عرب اشعری به سال ۹۴ق به این سرزمین و فزونی یافتن جمعیت آنان و خانه‌سازی‌های ایشان، در اثر پیوستن چند حصار به یکدیگر موجودیت یافته است (فیض، ۱۳۴۹: ۶۲).

با استناد بر نتایج حاصل از مطالعات باستان‌شناسی که در طول سه دهه اخیر در منطقه جغرافیایی قم صورت گرفته است، سابقه سکونت

سده‌های نخستین اسلامی استعمال می‌شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۵).

نکته‌ای که در ریشه‌یابی نام شهر قم باید به آن توجه داشت این است که نام‌گذاری مراکز شهری با در نظر داشتن دو عامل مهم ویژگی‌های جغرافیایی و بنیان آنها، یکی از معمول‌ترین شیوه‌ها در سرزمین ایران بوده است. از نمونه‌های برجسته این کاربردها می‌توان به نام‌گذاری شهرهایی چون گیلان (سرزمین پست)، دیلم (سرزمین کوهستانی)، بیشاپور (بهتر از انطاکیه شهر شاپور) و اردشیر خوره (شکوه اردشیر) اشاره نمود. بر این اساس، با توجه به این مطلب که دشت قم از منظر ویژگی‌های جغرافیایی، از جمله پست‌ترین مناطق فلات مرکزی ایران محسوب می‌شود، می‌توان این‌گونه بیان نمود که روایت بُرقی، ضمن انطباق با ویژگی‌های زیست‌محیطی و جغرافیایی منطقه و تأیید آن در غالب منابع تاریخی، از صحت و اعتبار بیشتری برخوردار است.

۳. بررسی وضعیت فرهنگی منطقه قم از هزاره ششم پیش از میلاد تا سقوط اشکانیان (۷۱۲ ق.م - ۲۲۴ م)

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در خصوص پیشینه تاریخی شهر قم میان مورخان اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، به‌گونه‌ای که برخی آن را از شهرهای تازه تأسیس اسلامی دانسته‌اند. ابودلف که در سده چهارم هجری به شهر قم سفر نموده است، آن را شهری تازه‌ساز و اسلامی ذکر کرده که در آن اثری از غیراعراب وجود ندارد (ابودلف، ۱۳۴۱: ۷۷). یاقوت حموی در معجم البلدان (حموی، ۱۹۹۵: ۳۹۷) و قزوینی در آثار البلاد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۱۳) به تبعیت از ابودلف به تکرار مطلب فوق پرداختند و به این شبهه که شهر قم از مستحذات عصر اسلامی

کوه بیکنی و ناحیه پاتشوعارا و دستگیری دو خداوند دهکده به نام‌های «شی تیرپرنه» و «پاردو» اشاره کرده است. غالب پژوهشگران، کوه بیکنی را با کوه دماوند و بیابان نمک را با دریاچه نمک قم تطبیق داده‌اند (همان: ۲۴۳). دیاکونوف به عنوان یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران دوره ماد، قلمرو پادشاهی مادها را، براساس ویژگی‌های جغرافیایی، به سه بخش ماد آتروپاتن، ماد سفلی (همدان، ری، قزوین، قم و سمنان) و پارتاکنا تقسیم‌بندی نموده است (همان: ۷۹-۸۲). وی در تقسیم‌بندی دیگری بر مبنای خطوط مقسم‌المیاه دره‌های سرزمین تاریخی ماد را به ۱۲ ناحیه جغرافیایی تقسیم نموده که ناحیه ۱۰ آن شامل حوضه دریاچه حوض سلطان، دریای نمک، ابهرچای، قره‌سو و قمرود است که در مرکز ماد سفلی قرار گرفته است. آشوریان این ناحیه را «سرزمین رودک‌ها» می‌نامیدند (همان: ۸۹). آثار فرهنگی دوران مزبور، در فلات مرکزی ایران از تپه ازبکی کرج (مجیدزاده، ۱۳۸۹)، سیلک کاشان (گریشمن، ۱۳۷۹)، محوطه‌های ۶۳-۶۴-۶۵ دهستان قمرود قم و سازه‌های سنگی زاربلاغ (ملک‌زاده، ۱۳۸۲) و واسون (ملک‌زاده، ۱۳۸۳) قم شناسایی گردیده است (کابلی، ۱۳۷۸). بنابراین، سکونت در این منطقه، در طول دوران ماد نیز استمرار داشته است.

با پیروزی هخامنشیان بر مادها در سال ۵۵۰ ق.م، بخش‌های جنوبی و شرقی سرزمین ماد در خاک پارس داخل گردید و ساکنان آن از لحاظ فرهنگی و قومی با پارسیان امتزاج یافتند (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۸۳). با این حال، به دلیل فقدان منابع مکتوب و عدم شناخت و تفکیک شواهد باستان‌شناسی دوره هخامنشی منطقه قم، از وضعیت فرهنگی این مکان

انسان در این منطقه به هزاره ششم و پنجم پیش از میلاد بازمی‌گردد (گریشمن، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۳؛ سرلک، ۱۳۸۹: ۱۹؛ کابلی، ۱۳۷۸: ۷۳؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳) ضمن اینکه در نتیجه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه‌های قره‌تپه قمرود (۱۳۷۸)، تپه قلی‌درویش جمکران (سرلک، ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶)، تپه شادقلی‌خان (سرلک، ۱۳۹۰)، محوطه شمشیرگاه (فهیمی، ۱۳۸۲؛ Fahimi, 2010) و گورستان صرم (پوربخشنده، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۲) توالی زمانی استقرار جوامع انسانی در سکونتگاه‌های باستانی منطقه قم، از هزاره ششم تا نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد به خوبی شناسایی گردیده است. با این حال، شناخت ما از وضعیت فرهنگی منطقه قم در طول دوران حکومت مادها (۷۱۲-۵۸۵ ق.م) بسیار اندک است. اصلی‌ترین مدارک تاریخی برای شناخت اوضاع منطقه در این دوران، سالنامه‌ها و کتیبه‌های پادشاهان آشوری است که همواره قلمرو مادها و سایر همسایگان خود را مورد تاخت و تاز و غارت قرار داده و شرح لشکرکشی‌های خویش را به دقت ثبت نموده‌اند. در این سالنامه‌ها، گاهی در خصوص قلمرو شرقی ماد نیز اشارات جسته و گریخته‌ای دیده می‌شود که از اهمیت فراوانی برخوردار است. برای نخستین بار، در کتیبه‌های تیگلات پیله‌سر سوم (۷۴۴-۷۲۷ ق.م) به اقوام مادی کنار کوه بیکنی، مادی‌های قدرتمند شرق دور و مادی‌های کناره بیابان نمک اشاره گردیده است (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۱۹۰). آسارحادون، دیگر پادشاه آشوری که در سال ۶۷۳ ق.م بر قلمرو مادها تاخته و پیشروی بسیاری در شرق داشته است، در گزارش خود به لشکرکشی سپاهیان آشور به کشور مادی‌های دوردست در مرز بیابان نمک‌زار و پای

رامین و گل، نام شهر قم به همین صورت، در کنار شهرهایی چون ری، گرگان و اصفهان ذکر گردیده است که نشان از پایگاه شهری آن در طول دوره اشکانی دارد (گرگانی، ۱۳۶۹: ۲۴۱).

۴. قم در دوران ساسانی

بی‌تردید دوره ساسانی را می‌توان دوران طلایی تاریخ معماری و شهرسازی ایران نامید. در این دوران، پادشاهان ساسانی هر زمان که فرصت می‌یافتند به تأسیس شهرهای جدید و عمارت‌های نو می‌پرداختند؛ به گونه‌ای که امروزه، احداث بسیاری از شهرهای سرزمین ایران را به آنها منتسب می‌دانند. در چنین شرایطی و با در نظر داشتن موقعیت ارتباطی ویژه دشت قم در طول دوره ساسانی، این منطقه نیز بسان سایر مناطق ایران شکوفا گردید. در منابع تاریخی بر جای مانده از سده‌های نخستین اسلامی، بارها از ویژگی‌های شهر قم در دوره ساسانی سخن به میان آمده است. یعقوبی در سده سوم هجری قم را یکی از شهرهای تحت مالکیت دولت ساسانی ذکر می‌کند که از نظر تقسیمات اداری، از شهرهای ایالت قهستان محسوب می‌گردید و زیر نظر سپهبد آذربایجان اداره می‌شد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). ثعالبی

در طول این دوره آگاهی چندانی در دست نیست. با این وجود، نویسنده کتاب تاریخ قم، بارها به ویرانی شهر قم و روستاهای اطراف آن به دست اسکندر مقدونی اشاره کرده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۲، ۲۴، ۶۷).

پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در منطقه جغرافیایی قم حاکی از آن است که پس از دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی پایان دوره هخامنشی و هم‌زمان با روی کار آمدن اشکانیان، تعداد سکونتگاه‌های منطقه به نحو چشمگیری افزایش یافته و به تبع آن بر تراکم جمعیتی آن نیز افزوده شده است (کابلی، ۱۳۷۸: ۸۴؛ سرلک، ۱۳۹۰: ۵۹۹). در این دوران، با توجه به اهتمام پادشاهان اشکانی به رونق بازرگانی و داد و ستد، منطقه قم نیز به واسطه قرارگیری در مسیر یکی از شاخه‌های فرعی جاده بزرگ خراسان (راه ری به اصفهان) که جغرافیانگاران صدر اسلام بارها به توصیف منازل آن پرداختند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۴۳؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۶؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۳)، از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار گردید. این جاده، علاوه بر اتصال بخش‌های شمالی و جنوبی فلات مرکزی ایران، در محور شرقی و غربی نیز حائز اهمیت فراوانی بوده است. پل شکسته قمرود، قلعه گلی محمدآباد کاج و کاروانسرای دیرگچین از جمله تأسیسات ایجاد شده پیرامون این راه در دوران اشکانی و ساسانی به شمار می‌آیند. علاوه بر شواهد باستان‌شناختی، در منظومه ارزشمند ویس و رامین که از داستان‌های دوره اشکانی است (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۶۶) و در سده پنجم هجری فخرالدین اسعد گرگانی آن را از پهلوی به زبان فارسی برگردانده است، در ذکر عروسی

۱. لازم به توضیح است که چون غالب منابع مکتوب دوران اسلامی در سده‌های چهارم و پنجم هجری نگارش یافته‌اند، نویسندگان این آثار در ذکر وقایع تاریخی رخ داده در مناطق جغرافیایی گوناگون ایران در پیش و پس از اسلام، از اسامی جغرافیایی متداول شهرها در زمان حیات خویش استفاده نموده‌اند. بنابراین فخرالدین اسعد گرگانی نیز در بازنویسی منظومه ویس و رامین از این قاعده مستثنی نبوده است؛ چنان‌که به جای استفاده از واژه‌های سپاهان و راگا که به ترتیب صورت قدیمی‌تر نام شهرهای اصفهان و ری بوده است از اسامی رایج و شناخته شده این مناطق در میان مردم روزگار خویش بهره جسته است.

زیباترین شهرها محسوب گردیده است (قمی، ۱۳۶۱: ۹۱).

ابن فقیه ضمن ذکر آتشکده‌های ناحیه قم، به وجود آتشکده‌ای بزرگ از زمان سلطنت قباد ساسانی در روستای مزدگان قم اشاره می‌کند (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۰۵). این آتشکده پس از اسلام نیز همچنان برپا بوده است و در سال ۲۸۸ق به دست بیرون ترکی، امیر وقت شهر قم، ویران گردید (قمی، ۱۳۶۱: ۸۹). براساس این گزارش‌ها، تا قرن‌ها پس از فتح قم به دست مسلمانان، همچنان آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های کوچک و بزرگی در جای جای آن دایر بوده است. امروزه، با وجود ساخت و سازهای گسترده شهری و همچنین تخریب شدید این بناها توسط عوامل انسانی و طبیعی، هنوز تعدادی از این ساختارهای مذهبی در این منطقه دیده می‌شوند؛ از آن جمله، آتشکده قلعه دختر متعلق به اواخر دوران ساسانی است که تا سه دهه پیش، آثار آن بر روی تپه‌ای معروف به کل دختر، در آستانه محل ورود به شهر قم از جانب شهر اراک قرار داشته است (سیرو، ۱۳۷۱: ۱۱۶). چهارطاقی‌های کرمجگان، نویس و لنگرود نیز از دیگر سازه‌های آیینی دوره ساسانی است که بقایای آنها در منطقه قم شناسایی شده است.

از سوی دیگر، مطابق روایات منابع تاریخی محلی، در اواخر حکومت ساسانیان، از زمان قباد تا یزدگرد سوم (۴۸۶-۶۵۱ میلادی) منطقه جغرافیایی قم تحت عنوان ویران آبادان کرد کواد نامیده می‌شده است. نویسنده کتاب تاریخ قم در این باره می‌نویسد: چون قباد بدین ناحیت می‌گذشت در آن روزگار که پیش ملک هیاطله می‌رفت، چون بدین ناحیت رسید در غایت خرابی بود، از خرابی او پرسید،

و دینوری، ضمن ارائه شرحی از اقدامات خسرو انوشیروان، به تقسیم قلمروی حکومتی ساسانیان به چهار بخش توسط این پادشاه اشاره می‌کند و قم را در زمره شهرهای ایالت جبال^۱ در دوران مذکور می‌داند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۱۱۷). فردوسی نیز در شاهنامه، در سه مورد از شهر قم نام برده و با اشاره به تقسیم کشور به چهار بلوک به فرمان انوشیروان، قم را جزو شهرهای معتبر و جایگاه بزرگان ذکر نموده است (فردوسی، ۱۹۷۰م: ۵۶). علاوه بر این، بنا بر روایت موجود در کتاب پهلوی خسرو گواتان و ریذک که به دوره ساسانی تعلق دارد و ثعالبی نیز خلاصه‌ای از آن را در اثر خود آورده، از کیفیت خوب زعفران قم سخن گفته شده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۵۱). نویسنده کتاب تاریخ قم در شرح نحوه فتح خراسان می‌نویسد:

هنگام فتح خراسان در زمان حکومت ولید بن عبدالملک اموی توسط قتیبه بن مسلم و پیروزی وی بر پیروز بن کسری بن یزدجرد، دختر پیروز، شاه‌فرند، اسیر گردید. همراه آن دختر صندوقی بود که قتیبه وی را با آن صندوق نزد حجاج بن یوسف، والی ولید بر عراقین، فرستاد. حجاج در صندوق را گشود و آنجا کتابی در ذکر خواص شهرها یافت که قباد آنها را از دیگر شهرها جدا کرده بود تا هر مکانی که بهتر باشد شهری به منظور اقامت خود در آنجا بنا نهد. در این میان قم جزو کامل‌ترین و

۱. جبال در زبان عربی جمع جبل، و به معنی کوهستان است. این ناحیه از غرب به جلگه‌های بین‌النهرین و از شرق به کویر بزرگ ایران محدود می‌گردید. جغرافیانگاران عرب این ناحیه را با نام ایالت جبال می‌شناختند و از جمله مهمترین شهرهای این ناحیه به همدان، دینور، اصفهان و قم اشاره داشته‌اند (رک لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۰۰؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۱۲).

شرکت داشتند (ابن اعثم، ۱۳۴۹: ۳۴). گرچه آمارهای ارائه شده مورخان صدر اسلام، در خصوص تعداد سپاهیان قمی حاضر در نبردهای قادسیه و نهاوند به دور از اغراق نیست، اما همین اشارات مبالغه‌آمیز نیز بیانگر توسعه و شکوفایی شهر قم و نواحی پیرامون آن در طول دوران ساسانی است و به سادگی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

علاوه بر اشارات فراوان منابع تاریخی به وضعیت منطقه قم در طول دوران ساسانی، شواهد باستان‌شناختی این عصر نیز درون بافت تاریخی شهر شناسایی شده است. مطالعات باستان‌شناسی تپه شادقلی‌خان، که بقایای آن تا پیش از انهدام کامل به منظور عملیات راه‌سازی، درون بافت تاریخی شهر قم قرار داشته است، به شناسایی سکونتگاهی دوران ساسانی در این مکان منجر گردید (سرلک، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴).

همچنین در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی تپه قلی‌درویش، که در حال حاضر بیش از ۳۰ هکتار وسعت دارد، آثار مربوط به دوران ساسانی شناسایی شده است (همان: ۶۲۰). این محوطه ارزشمند تاریخی در حاشیه جنوبی شهر و به فاصله یک کیلومتری روستای جمکران قرار دارد. براساس نتایج حاصل از گمانه‌زنی‌ها، محوطه مذکور، در دوران ساسانی هسته اصلی شهر را تشکیل می‌داده است (سرلک، ۱۳۸۹: ۱۳-۲۴)؛ علاوه بر این، به گواه منابع تاریخی سده‌های نخستین اسلامی، در دوره ساسانی قلعه‌ها و دژهای بسیاری به منظور حفاظت از شهر قم و نواحی پیرامون آن در این منطقه احداث شده بود؛ به گونه‌ای که به واسطه کثرت همین دژها، از قم با نام چهل حصاران نیز یاد شده است (ادیب

گفتند هیچ ملکی از ملوک، هر ناحیت و موضعی را که اسکندر آن را خراب کرده است به عمارت و آبادانی آن رغبت نمی‌کند و نمی‌فرماید، چون قباد به دارالملک خود مراجعت می‌نمود، چون بدین ناحیت رسید بفرمود آن را عمارت کردند و بدین نام نهادند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴).

سکه‌های ساسانی از جمله مدارک گران‌بهایی است که در شناسایی شهرهای این دوران مؤثر است. در پشت این سکه‌ها، خصوصاً از زمان بهرام چهارم، نام شهری که سکه در آن ضرب شده، نقش گردیده و این روش تا پایان عهد ساسانی ادامه داشته است. در میان شهرهایی که در بخش فلات مرکزی اسامی آنها تاکنون در پشت سکه‌های ساسانی خوانده شده است شهرهایی چون ری، گی، سپاهان، تیمره و ایران ونوکرت کواد دیده می‌شود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۶). با توجه به گزارش ارائه شده حسن بن محمد بن حسن قمی در خصوص بنیان شهر قم به دستور قباد ساسانی و انطباق آن با سکه‌های ضرب شده در بازه زمانی مورد بحث، می‌توان این‌گونه بیان داشت که «ایران ونوکرت کواد» شناسایی شده در پشت سکه‌های دوران ساسانی، همان «ویران آبادان کرد کواد» ذکر شده در کتاب تاریخ قم بوده است. این انطباق با توجه به موقعیت جغرافیایی یکسان در نظر گرفته شده برای هر دو مکان در منابع تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی، چندان دور از انتظار نیست.

بنا بر گزارش‌های ارائه شده در منابع تاریخی صدر اسلام، مقارن حمله مسلمانان و به روزگار پادشاهی یزدگرد سوم، هزاران سپاهی قمی در جنگ قادسیه (۲۵ هزار سواره و پیاده) و ۲۰ هزار سوار از قم و کاشان به سرداری شیرزاد در جنگ نهاوند

سیستان بودند، پس از شکست وی از حجاج بن یوسف پراکنده شدند و به سرپرستی دو برادر به نام‌های عبدالله و احوص رو به سوی قم نهادند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۶۴). مقارن ورود اعراب اشعری به قم، این ناحیه متشکل از هفت آبادی یا قلعه به نام‌های ممجان، قزدان، مالون، جمر، سکن، جلنبدان و کمیدان بوده و حکمران منطقه در ناحیه ابرشتجان استقرار داشته است (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۴۹). احوص و عبدالله پسران سعد بن مالک اشعری، به همراه خویشان و خدمتکاران‌شان از کوفه بیرون آمدند و در منطقه قم ساکن شدند (همان: ۹۲-۹۳).

حسن بن محمد بن حسن قمی در خصوص تاریخ ورود خاندان اشعری به قم می‌نویسد:

در ایام خلافت ولید بن عبدالملک، روز شنبه اول فروردین ماه سال ۸۲ یزدگردی، سال ۶۲ پارسی و سال ۹۴ هجری قمری، یزدان‌فازار رئیس ابرشتجان در این روز از حصار ابرشتجان بیرون آمده، در باغ اسپید که نزهتگاه مصفائی در نزدیکی آن قلعه بود نشسته و مجلس جشنی بیاراست. مردم آن نواحی گرد آمده هدایایی که همراه آورده بودند به پیشگاه رئیس خود تقدیم می‌نمودند. در این هنگام دیده‌بانان در موضع شاهنده سوارانی را دیدند که آهسته به سوی ابرشتجان می‌رانند. یزدان‌فازار یکی از غلامانش را به جانب سواران فرستاد تا از نام و نشان و مقصد آن‌ها خبر آورد. وی پس از آگاهی از شرح حال آن‌ها و طالع سعد نزول ایشان، اعراب را به داخل دیه ابرشتجان فراخواند و پس از اعزاز و اکرام بسیار، ایشان را در دیه ممجان که از سایر دیه‌ها بزرگ‌تر و در مرکز جلگه و سایر قرا واقع بود، اسکان داد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۶-۲۴۹).

با گذشت زمان و افزایش جمعیت اعراب و کمبود چراگاه آنها، یزدان‌فازار دیه جمر و فرابه را نیز

کرمانی، ۱۳۹۶: ۷۵؛ قمی، ۱۳۶۱: ۷۹). در تأیید مطلب اخیر، در نتیجه بررسی باستان‌شناسی قلعه‌های دوران تاریخی این منطقه، تعداد ۱۴ قلعه از دوران ساسانی در نقاط مختلف آن شناسایی گردید (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۶). در این میان، بنای قلعه گبری و قیزقلعه‌سی که هر دو از دژهای دفاعی دوران ساسانی در فاصله شش کیلومتری شهر کنونی قم‌اند، بیانگر توسعه منطقه مذکور در طول دوره ساسانی است (شکل ۲). به‌طور ویژه، دژ قیزقلعه‌سی و حصارهای سنگی مجاور آن که دقیقاً در محل ورود به دشت قم و در جانب جنوبی آن قرار دارد، با اشراف کامل بر این دشت و سکونتگاه ساسانی شکل گرفته در تپه قلی‌درویش، که پیش‌تر به عنوان هسته اصلی شهر ساسانی قم بدان اشاره گردید، وظیفه حفاظت از منطقه را بر عهده داشته است؛ بنابراین، با استناد بر منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی موجود، قم در اواخر دوره ساسانی به درجه مدنیت رسیده بوده است.

۵. قم در سده‌های نخستین اسلامی

بنا بر گزارش‌های راویان فتوحات بلاد اسلام، شهر قم در سال ۲۳ق به دست ابوموسی اشعری فتح گردید (قمی، ۱۳۶۱: ۲۵-۲۶؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۹-۴۴۲). لیکن تسخیر قم به دست سپاهیان مسلمان، تغییر و تحول چشمگیری در اوضاع اجتماعی - مذهبی ساکنان این شهر به وجود نیاورد و آنها با پرداخت جزیه همچنان به کیش زرتشت باقی ماندند (قمی، ۱۳۶۱). در اواخر سده نخست هجری، گروهی از اعراب شیعه مذهب اشعری که از هواداران عبدالرحمن بن محمد بن اشعث، امیر

بدیشان واگذار نمود.

پس از مدتی عهدنامه‌ای میان ساکنان قم و اعراب نوشته شد که به موجب آن طرفین متعهد گردیدند همواره پشتیبان یکدیگر باشند. این عهدنامه تا زمان حیات یزدان‌فازار برقرار بود و اعراب با استفاده از موقعیت پیش آمده، زمین‌های بسیاری را تصاحب کردند و جمعیت آنها نیز روز به روز افزایش می‌یافت. با مرگ یزدان‌فازار (سال ۱۱۴ق مطابق با ۱۰۲ یزدگردی و ۸۲ فارسی) و عده‌ای از اشراف قمی، فرزندان ایشان از شوکت روزافزون اعراب بیمناک شدند و تصمیم گرفتند تا اعراب را وادار به هجرت از شهر قم کنند (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۹۵-۱۰۰). در نتیجه برای اجرای این هدف، شورایی تشکیل شد و هنگامی که احوص (یکی از سرکردگان اعراب اشعری) برای پرداخت خراج حوزه قم به اصفهان رفته بود، به عبدالله برادر وی، پیغام فرستادند و خواستار خروج سریع اعراب از این ناحیه گردیدند. عبدالله با ملایمت علت این تصمیم را جویا شد و رعایت عهدنامه را به ایشان گوشزد کرد، ولی ساکنان قم بر خواسته خویش پافشاری نمودند. احوص با شنیدن آنچه رخ داده بود به سرعت به قم بازگشت و از اهالی قم سبب این کار را جویا شد. آنان در پاسخ بیان داشتند که از اعراب هیچ اشتباه و عملی مخالف عهدنامه مشاهده نکرده‌اند، لیکن حضور آنها را در قم به صلاح خود نمی‌دانند. در نتیجه، اعراب هفت روز برای فروش املاک و زمین‌های خویش از ساکنان بومی شهر فرصت خواستند. پس از گذشت پنج روز از فرصت مقرر، روزی فرا رسید که پارسیان آن را گرامی داشتند و با اجتماع گرد یکدیگر، در شب آن روز به جشن پرداختند. احوص از موقعیت پیش آمده

استفاده نمود و هفتاد تن از بندگان خویش را معمور کشتن سران حصارهای ناحیه قم نمود و هر حصاری را به غلامی سپرد. در شب مذکور، تمامی غلامان وظیفه خود را انجام دادند و سرهای بریده بزرگان حصارها را به نزد احوص آوردند. با فرا رسیدن بامداد و آگاهی یافتن ساکنان حصارها از کشته شدن بزرگان خویش، برخی به آیین تشیع گرویدند، بعضی به ایشان پناه آوردند و گروهی نیز از منطقه مهاجرت نمودند. در نتیجه این واقعه، تمامی نواحی قم به دست خاندان اشعری افتاد و زمینه برای مهاجرت خویشاوندان آنها و سایر اعراب به قم مهیا شد (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۳). به نظر می‌رسد تشابه آب و هوایی قم با شهرهای سرزمین عراق، که خاستگاه اصلی بیشتر اعراب مهاجر به این منطقه بود، در هجرت آنان بی‌تأثیر نبوده است؛ از طرفی، در احادیث و روایات پیشوایان مذهب شیعه، از قم تحت عناوینی چون حرم اهل بیت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۲) و ملجأ و پناهگاه شیعیان (همان: ۲۱۴) یاد شده و از آنها خواسته شده است در زمان وقوع فتنه، آشوب و ناامنی، به قم مهاجرت نمایند (قمی، ۱۳۶۱: ۹۰-۱۰۰). در واقع فاصله زیاد قم از مراکز قدرت خلفای اموی و عباسی، سبب می‌گردید تا پایگاهی مستحکم برای شیعیانی باشد که به مخالفت با این دو سلسله می‌پرداختند.

استقرار اعراب اشعری در قم نقش شایانی در توسعه شهر قم در طول دوره اسلامی داشت، تا جایی که بسیاری از مورخان، ایجاد پایگاه شهری قم را به اعراب اشعری نسبت داده‌اند (حسین قمی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). خاندان اشعری علاوه بر تلاش در آبادی نواحی مختلف قم، با انجام فعالیت‌های کشاورزی و حفر چاه‌ها و قنات‌های متعدد،

امارت اصفهان عزل نمود. بنابر گزارش نویسنده کتاب تاریخ قم، عبدالله با حضور در دربار هارون و تقدیم یک میلیون درهم^۱ خواستار حکومت مجدد بر اصفهان گردید، با این تفاوت که ناحیه قم را از اصفهان جدا کنند، زیرا که اهالی اصفهان همواره از تمرد قمی‌ها در پرداخت خراج آسیب فراوان دیده بودند. در همین زمان حمزه بن الیشع اشعری، از بزرگان قم، که وی نیز به همین منظور به دربار هارون رفته بود، خواستار استقلال قم از اصفهان و متعهد به پرداخت خراج سالیانه آن گردید. در نتیجه، به امر هارون الرشید حوزه قم از قلمرو حکمرانی اصفهان مجزا و کوره‌ای مستقل گردید (قمی، ۱۳۶۱: ۲۸-۳۱: جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۵). به نظر می‌رسد علت تناقض آشکاری که درباره پیشینه تاریخی شهر قم در میان مورخان و پژوهشگران دیده می‌شود، باید در این برهه از تاریخ منطقه جستجو نمود. شناسایی نام ضراب‌خانه قم بر روی سکه‌های دوران اموی (۴۱-۱۳۱ق)، در کنار شهرهایی چون جی و شق تیمره بیانگر برخورداری منطقه قم از پایگاهی شهری در طول این دوران است (سرفراز - آورزمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). از سوی دیگر، بر پایه نوشته‌های منابع تاریخی صدر اسلام، تا اواخر سده یکم هجری اعراب در این مکان ساکن نشده بودند و شخصی به نام یزدان‌فاذار اداره امور این ناحیه را برعهده داشته است. با توجه به نکات فوق می‌توان این‌گونه استنباط نمود که قم در این

زمین‌های بسیاری را از نواحی همدان، ری و اصفهان خریداری نمودند و از این طریق وسعت محدوده تحت نفوذ خویش را افزایش دادند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۸). گذشته از اقدامات مذکور، این خاندان در زمینه سیاسی نیز حضور فعالی داشتند، به گونه‌ای که با خروج ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۰ق در خراسان و تظاهر وی به طرفداری از بنی‌هاشم و ضدیت او با آل امیه، شیعیان قم نیز با فرماندهان سپاه او در فتح ایالت جبال همکاری کردند (جغرافیای تاریخی قم، ۱۳۸۳: ۱۱۹). در نتیجه این اقدامات، شهر قم در اوایل قرن دوم هجری (عصر عباسیان) از چنان اهمیت و قدرتی برخوردار بود که مردمان آن از آغاز حکومت خلفای عباسی (۱۳۲ق) تا دوران خلافت هارون‌الرشید از پرداخت باج و خراج خودداری کردند و نه تنها هیچ‌یک از خلفا متعرض آنها نشدند، بلکه حتی برای جلوگیری از شورش مردم و راضی نگاه‌داشتن آنان، اغلب یکی از رجال بزرگ شیعه یا متمایل به شیعه را به امیری آنجا می‌فرستادند (ادیب کرمانی، ۱۳۹۶: ۸۳)، تا اینکه در سال ۱۸۴ق هارون‌الرشید برای جمع‌آوری مالیات‌ها و خراج‌های عقب افتاده مصمم گشت. وی عبدالله بن کوشید قمی، حاکم اصفهان، را مأمور ساخت تا به هر کیفیت ممکن، خراج معوق پنجاه ساله را از مردم قم باز ستاند. این خراج از زمان خلافت سفاح (سال ۱۳۲ق) پرداخت نشده بود. عبدالله برادر خویش عاصم را به نیابت حکومت به قم فرستاد. عاصم در این راه مردم قم را بسیار شکنجه نمود و در نهایت اهالی شهر به دارالخراج ریختند و عاصم را سر بریدند. با توجه به عدم موفقیت عبدالله در وصول خراج، هارون وی را از

۱. براساس گزارش‌های منابع تاریخی صدر اسلام، در سده دوم هجری، خراج اصفهان، هفت میلیون درهم و خراج قم، دو میلیون درهم بوده است که بیانگر ارزش مالی قابل توجه مبلغ پیشنهادی عبدالله به هارون الرشید است (ر.ک: ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۳).

شهر کمندان عبور می‌کنند. اهالی آن قومی هستند از مذحج و نیز اشعریان، و در آن مردمی از عجم‌های کهن سکونت دارند. و راه‌ها از قم به ری و اصفهان و کرج و همدان از هم جدا می‌شود (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۴۰).

جغرافیایان‌گاران مسلمان سده سوم و چهارم هجری شهر قم را جزو شهرهای بزرگ و معتبر ایالت جبال دانسته‌اند. براساس این گزارش‌ها، ساکنان شهر تلفیقی از اعراب و ایرانیان کهن، زبان آنها پارسی و مذهب ایشان شیعه بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۲-۱۱۳؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴-۱۶۶).

۶. نتیجه

شهر قم در طول تاریخ چند هزار ساله خویش فراز و فرودهای بسیاری به خود دیده است. گاه از آن به صورت شهری مخروبه و گاهی پررونق و عظیم یاد شده است. چنان‌که ذکر گردید، در ارتباط با پیشینه تاریخی شهر قم دو دیدگاه عمده وجود دارد: گروهی از مورخان، قم را از جمله شهرهای ایجاد شده در طول دوران اسلامی می‌دانند که پیش از ورود اسلام به ایران هیچ‌گاه به درجه مدنیت نرسیده بود. دسته‌ای دیگر، با استناد بر اشارات برخی از منابع تاریخی معتقدند پیش از اسلام نیز، قم شهری آباد بوده است. نکته قابل تأمل این است که میان پیروان هر دو دیدگاه در خصوص زمان دقیق ایجاد شهر قم، اتفاق نظری دیده نمی‌شود. بنابراین، در صورت پذیرش هر یک از آنها، نمی‌توان پاسخ مناسبی به پرسش‌های موجود در ارتباط با پیشینه تاریخی شهر قم دست یافت. به نظر می‌رسد علت این امر به عدم ایجاد پیوندی مناسب میان

زمان از شهرهای موجود در قلمرو خلفای اموی بود که تحت نظارت حاکم کوره اصفهان اداره می‌شد. با این حال، قم که در دو سده نخست اسلامی از جمله رستاق‌های کوره اصفهان محسوب می‌شد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۵؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۹)، در اواخر سده دوم هجری و در نتیجه کوشش اعراب مهاجر خاندان اشعری، به عنوان کوره‌ای مستقل به رسمیت شناخته شد. لازم به توضیح است که در تقسیمات اداری صدر اسلام، هر ایالت به سه واحد کوچک‌تر کوره، رُستاق و طسوج تقسیم می‌شد که به صورت سلسله مراتبی اداره می‌گردیدند. بدین صورت که هر کوره که می‌توان آن را معادل یک استان دانست (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۵) از چند رستاق و هر رستاق از تجمیع یک شهر با روستاهای پیرامونش شکل می‌گرفت (لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). طسوج نیز که معرف کوچک‌ترین واحد این تقسیمات بود، به یک یا چند ناحیه جغرافیایی اطلاق می‌شد (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۵). بنابراین هم‌زمان با ارتقای رتبه قم از درجه یک رُستاق به کوره‌ای مستقل، براساس سنت آن زمان به منظور برگزاری نمازهای جمعه و اعیاد مسلمانان، مسجد جامعی در شهر قم ایجاد گردید و منبری نیز در آن نصب شد.

پس از استقلال قم از اصفهان، شهر رو به آبادانی و گسترش نهاد، چنان‌که یعقوبی در قرن سوم هجری، در توصیف آن می‌نویسد:

شهر بزرگ قم، به آن منیجان گفته می‌شود و شهری است جلیل‌القدر که گویند در آن هزار گذر است. و در کنار آن شهری است که به آن کمندان گفته می‌شود و آن را رودخانه‌ای است که در میان دو شهر آب در آن جاری است و روی آن پل‌هایی است که با سنگ بسته شده و روی آنها از شهر منیجان به

دست مسلمانان، شهر قم در سال ۲۳ق به دست سپاهیان ابوموسی اشعری فتح گردید. با وجود فتح شهر توسط مسلمانان، نخستین گروه اعراب در اواخر سده یکم هجری در این مکان سکونت گزیدند. در پی کوشش ساکنان جدید شهر که از اعراب خاندان اشعری بودند، قم که در این زمان یکی از رُستاق‌های کوره اصفهان به شمار می‌رفت، در سال ۱۸۹ق، به عنوان کوره‌ای (معادل یک استان) مستقل به رسمیت شناخته شد.

منابع

ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *البلدان*. بیروت: عالم الکتب.

ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۳۴۹). *تاریخ اعثم*. ترجمه احمد بن محمد منوفی هروی. تهران: نشر ادبیه.

ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۲۰۰۷). *تقویم البلدان*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*. ترجمه حسین قره‌چانلو. تهران: ناشر مترجم.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن حوقل (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ابودلف (۱۳۴۱). *سفرنامه ابودلف در ایران*. با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی. تهران: ایران زمین.

ادیب کرمانی، افضل الملک (۱۳۹۶ق). *تاریخ و جغرافیای قم*. به کوشش حسین مدرس طباطبایی. [بی‌جا]: انتشارات وحید.

گزارش‌های منابع تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام شده در منطقه جغرافیایی قم و همچنین ناتوانی مورخان و محققان در باستان‌شناسی و تفکیک معانی واژه‌های شهر و کوره از یکدیگر بازمی‌گردد. با مطالعه دقیق منابع مکتوب تاریخی، ادبی و جغرافیایی برجای مانده از دوران ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی و بهره‌گیری از نتایج مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته در داخل بافت شهر قم، سابقه سکونت در این بخش از سرزمین ایران به هزاره پنجم پیش از میلاد بازمی‌گردد. از سوی دیگر، بررسی موقعیت جغرافیایی دشت قم بیانگر موقعیت ارتباطی ویژه منطقه، به عنوان اتصال‌دهنده بخش‌های شمالی - جنوبی و شرقی - غربی سرزمین ایران به یکدیگر است. بنابراین، با رونق بازرگانی و داد و ستد در طول دوران اشکانی و ساسانی، سکونتگاه‌های موجود در این منطقه به لحاظ کمی و کیفی گسترش چشمگیری یافتند. گرچه تعداد اندکی از منابع تاریخی به وجود یک پایگاه شهری از دوره اشکانی در منطقه قم اشاره می‌کنند، تاکنون شواهد باستان‌شناختی که این مطلب را تأیید کند شناسایی نشده است. با این حال، براساس گزارش‌های فراوان منابع تاریخی و نتایج حاصل از مطالعات باستان‌شناسی، به‌ویژه کاوش‌های انجام شده در داخل بافت شهر کنونی قم، بی‌شک در دوران ساسانی شهری معتبر و نسبتاً بزرگ در این مکان وجود داشته است. غالب منابع مکتوب، بنیان شهر را به اواخر دوران ساسانی نسبت می‌دهند. با استناد بر همین منابع، شهر قم به دستور قباد اول ایجاد گردید و تا پایان حکومت ساسانیان نیز به حیات خود ادامه داد. با سقوط ساسانیان (۶۵۱ م) و فتح ایران به

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*. جلد چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- احمدی، رسول؛ حیدری باباکمال، یدالله؛ صدیق‌پور، داود؛ ابراهیمی، قادر (۱۳۹۳). "گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی قلعه‌های تاریخی استان قم". در گزارش‌های سیزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. ص ۴۵-۴۸. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه و مقدمه دکتر محمد متوکل. تهران: نشر نقره. پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۰). *گزارش توصیفی مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان عصر آهن تپه صرم کهک - قم*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۱). *گزارش توصیفی مقدماتی دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان عصر آهن تپه صرم کهک - قم*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۲). *گزارش توصیفی مقدماتی سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان عصر آهن تپه صرم کهک - قم*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس سیرهم*. ترجمه محمد فضالی. تهران: نشر نقره.
- جغرافیای تاریخی قم (۱۳۸۳). به کوشش ابوالفضل عرب‌زاده. قم: نشر زائر.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. چاپ دوم. بیروت: دار صادر.
- حسین قمی، صفی‌الدین محمد بن هاشم (۱۳۹۶ق). *خلاصة البلدان*. به کوشش حسین مدرسی طباطبایی. قم: انتشارات حکمت.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۶). *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: علمی فرهنگی.
- دالمانی، هانری رنه (۱۹۵۰). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دینوری، احمد بن داود (۱۹۶۰). *اخبار الطوال*. قاهره: دارالتحفا و الارشاد القوی.
- سیرو، ماکسیم (۱۳۷۱). "قلعه دختر قم"، به کوشش آندره گدار، در *آثار ایران*. ترجمه ابوالحسن سروقدی مقدم. مشهد: آستان قدس. صص ۱۱۱-۱۱۹.
- سرلک، سیامک. عقیلی، شیرین (۱۳۸۳). گزارش لایه‌نگاری محوطه باستانی قلی درویش جمکران - قم، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳). تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی. ص ۵۹-۹۶.
- سرلک، سیامک؛ ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۴). «آجرهای منقوش عصر آهن پایانی ماد شرقی: سکوی خشتی قلی درویش جمکران و سازه بزرگ سیلک کاشان». *مجله باستان‌شناسی*. سال اول. شماره ۱. بهار و تابستان ۱۳۸۴. ص ۵۲-۶۳.
- سرلک، سیامک (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش در محوطه قلی‌درویش جمکران». گزارش‌های باستان‌شناسی (۷). جلد دوم. مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. ص ۱۸۷-۲۰۸.
- سرلک، سیامک (۱۳۸۹). *فرهنگ هفت هزار ساله شهر قم: کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه قلی‌درویش جمکران - قم*. قم: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم و انتشارات نقش.
- سرلک، سیامک (۱۳۹۰). *باستان‌شناسی و تاریخ قم*. قم: انتشارات شاخص.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ آوزمانی، فریدون (۱۳۸۵). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*. تهران: سمت.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۶۶). «قم، خاستگاه شهر»، به کوشش محمدیوسف کیانی، در *شهرهای ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی. جلد دوم. ص ۱۴۳-۱۶۹.

گیرشمن، رومن (۱۳۷۹). سیلک کاشان. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۶۹). ویس و رامین. تهران: نشر همبستگی.

لباف خانیکی، میثم (۱۳۹۱). «مقدمه‌ای بر جغرافیای اداری - سیاسی ایران در دوره ساسانی». فصلنامه پاز. شماره ۱۰. ص ۱۳۱-۱۱۶.

لسترنج، گای (۱۳۳۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مجله التواریخ و القصص (۱۳۱۸). تصحیح محمدتقی بهار. تهران: کلاله خاور.

ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۲). «بنای سنگی زارباغ قم، نیایشگاهی (؟) از دوره ماد: گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، پاییز ۱۳۸۱». مجله باستان‌شناسی و تاریخ. سال ۱۷. شماره ۲. شماره پیاپی ۳۴. ص ۵۲-۶۴.

ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۳). «بنای سنگی واسون کهک، سازه‌ای از دوره ماد (؟): گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، زمستان ۱۳۸۲». مجله باستان‌شناسی و تاریخ. سال ۱۸. شماره ۲. بهار و تابستان ۸۳. شماره پیاپی ۳۶. ص ۴۲-۵۱.

محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷). باستان‌شناسی و هنر اشکانی. تهران: سمت.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۴). قم‌نامه. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۹). کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی. جلد دوم: سفال‌ها. تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

ناصرالشریعه، محمدحسین (۱۳۸۳). تاریخ قم. تهران: رهنمون.

شیروانی، زین العابدین بن اسکندر (بی‌تا). بستان السیاحه. تهران: سنایی.

شاردن، ژان (۱۳۳۶). سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. [بی‌جا].

صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). قم از نگاه بیگانگان. قم: نشر زائر و آستانه مقدسه قم.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.

عباس‌زاده، عبدالله (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های سفالینه‌های محوطه‌های استقراری عصر آهن (محوطه باستانی قلی‌درویش - قم). پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

فیض، عباس (۱۳۴۹). گنجینه آثار قم. جلد اول. قم: انتشارات مهر استوار.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۷۰). شاهنامه. جلد هشتم. چاپ مسکو.

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. جلد اول. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

فهیمی، حمید (۱۳۸۲). "سکونتگاه گور خفتگان صرم: گزارشی درباره محوطه شمشیرگاه در جنوب قم. اردیبهشت ۱۳۸۲". مجله باستان‌شناسی و تاریخ. سال ۱۸. شماره ۱. پاییز و زمستان ۸۲. شماره پیاپی ۳۵. صفحات ۶۹-۸۲.

قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. تهران: امیرکبیر.

قمی، حسن بن محمدبن حسن (۱۳۶۱). تاریخ قم. ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه سید جلال‌الدین تهرانی. تهران: توس.

کابلی، میرعابدین (۱۳۷۸). بررسی‌های باستان‌شناسی قم‌رود. گزارش‌های باستان‌شناسی. ضمیمه ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Fahimi, Hamid (2010). An Iron Age Fortress in Central Iran: Archaeological Investigations in Shamshirgah, Qom. 2005. Preliminary Report, Edited by P. Matthiae et al (eds.). in: *Proceeding of the 6th International Congress on the Archaeology of the Near East. 2008. Sapienza-Università di Roma.* pp. 165-183.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۷). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی فرهنگی.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی*. جلد دوم. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

